فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره بیست و دوم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۰۵-۸۱ New Period, No 22, 2020, P 81-105
شماره شاپا (۲٤۷٦-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

نقش نفت و انرژی در سیاست خارجی و راهبردهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران

وسام غلام زاده
کارشناس ارشد

مقدمه

به طور گریزناپذیری موفقیت سیاست خارجی ایران در پیوند با موضوع نفت و انرژی است. این موفقیت در بهترین حالت زمانی به دست آمده که سیاست خارجی کشور جهت‌گیری بین‌المللی داشته است. این جهت‌گیری به معنای سازگاری با موازین نظام بین‌الملل و همکاری منطقه‌ای است تا در پرتو آن، امنیت ملی و رشد اقتصادی کشور ارتقا یابد. حفظ سطح مناسبی از قیمت و تولید که می‌تواند موتور رشد اقتصادی و برتریِ منطقه‌ای کشور باشد، در گرو جلب همکاری بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای و برآورده نمودن انتظارات صلح و امنیت آنان باشد. با توجه به موارد مطرح شده، در این فصل سعی می‌شود به بررسی نقش و اهمیت نفت و انرژی در راهبردهای امنیتی و همچنین سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

۱-۱ موقعیت ژئواکونومیک ایران

با تحولات صورت گرفته در رویکردهای ژئوپلیتیکی و اهمیت یافتن منابع نفت و گاز در معادلات جهانی، ایران در کانون منطقه‌ای قرار گرفته است که در تولید و انتقال نفت و گاز جهان نقشی حیاتی ایفا می‌کند. به طوری که از نظر کارکرد بسان قلب جهان عمل می‌کند. از این رو، در ژئوپلیتیک انرژی جهان، ایران از دو جهت در کانون توجه و مرکز تعاملات بین‌المللی قرار دارد.

۱- موقعیت ژئوپلیتیک ایران و قرار گرفتن در کانون بیضی انرژی جهانی: بر همین مبنا جفری کمپ، متأثر از نظریه هارتلند مکیندر، از بیضی انرژی جهانی یا هارتلند ژئوپلیتیک یاد می کند (کمپ و هارکاوی، ۱۳۸۳: ۱۴- ۱۳). همچنان که در نقشه‌های مذکور ملاحظه می‌شود، ایران در مرکز بیضی استراتژیک انرژی (هم نفت و هم گاز) قرار دارد. مضافا اینکه این سرزمین قلب، محل اتصال قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا نیز می‌باشد. به عبارتی از نظر جغرافیایی نیز می‌توان آن را منطقه‌ای مرکزی و کانونی برای خشکی‌های جهان به حساب آورد.

طبق برآوردها، اقتصاد جهانی تا آینده قابل پیش‌بینی همچنان به انرژی نفت وابسته خواهد ماند. این در حالی است که میزان تقاضای جهانی برای نفت از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۲۵سالانه ۱/۹ درصد افزایش خواهد یافت که بیشترین رشد طی این دوره به ترتیب مربوط به کشور چین، هند، روسیه، آمریکای شمالی و کشورهای اروپایی و پاسیفیک خواهد بود. اما همچنان کشورهای آمریکای شمالی، بیشترین میزان تقاضای جهانی انرژی را به خود اختصاص خواهند داد به طوری که در سال ۲۰۳۰، تقاضای این کشورها حدود ۳۰/۶ میلیون بشکه در روز خواهد بود که رقمی حدود ۲۷٪ تقاضای جهانی نفت می‌باشد. این در حالی است که ایران به عنوان یکی از مهمترین تولیدکنندگان انرژی در جهان در سطوح امنیت جهانی انرژی نقش تعیین‌کننده‌ای را بر عهده دارد و با داشتن ۱۳۷/۶ میلیارد بشکه نفت، ۱۰/۹ درصد از ذخایر جهانی نفت را به خود اختصاص داده است (مختاری هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۱۱۲). (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: میزان ذخایر، تولید و مصرف نفت کشورهای حاشیه خلیج فارس در پایان سال ۲۰۰۸ م

کشور	میلیارد بشکه	درصد از کل	تولید (هزار بشکه در روز)	مصرف (هزار بشکه در روز)
عربستان	۲۶۴/۱	۲۱/۰	۱۰۸۴۶	۲۲۲۴
ایران	۱۳۷/۶	۱۰/۹	۴۳۲۵	۱۷۳۰
عراق	۱۱۵/۰	۹/۱	۲۴۲۳	–
کویت	۱۰۱/۵	۸/۱	۲۷۸۴	۳۰۰
امارات متحدهٔ عربی	۹۷/۸	۷/۸	۲۹۸۰	۴۶۷
قطر	۲۷/۳	۲/۲	۱۳۷۸	۱۰۴
عمان	۵/۶	۰/۴	۷۲۸	–
کل منطقهٔ خلیج فارس	۷۴۸/۹	۵۹/۵	۲۵۴۶۴	۴۸۲۵

منبع: مختاری هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۱۱۲

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

در زمینه گاز طبیعی نیز، ایران با ۲۹/۶۱ تریلیون مترمکعب، ۱۶ درصد ذخایر گاز جهان و رتبه اول خاورمیانه و دوم جهان قرار دارد که عمر آن نیز براساس تولید فعلی حدود ۲۰۰ سال می‌باشد (جدول شماره ۲)

جدول شماره ۲: میزان ذخایر، تولید و مصرف گاز کشورهای حاشیه خلیج فارس در پایان سال ۲۰۰۸ م

کشور	تریلیون متر مکعب	درصد از کل	تولید (میلیارد متر مکعب)	مصرف (میلیارد متر مکعب)
عربستان	۷/۵۷	۴/۱	۷۸/۱	۷۸/۱
ایران	۲۹/۶۱	۱۶/۰	۱۱۶/۳	۱۱۷/۶
عراق	۳/۱۷	۱/۷	–	–
کویت	۱/۷۸	۱	۱۲/۸	۱۲/۸
امارات متحدهٔ عربی	۶/۴۳	۳/۵	۵۰/۲	۵۸/۱
قطر	۲۵/۴۶	۱۳/۸	۷۶/۶	۱۹/۸
بحرین	۰/۰۹		۱۳/۴	–
عمان	۰/۹۸	۰/۵	۲۴/۱	–
کل منطقهٔ خلیج فارس	۷۵/۰۹	۴۰/۶		۲۸۶/۴

منبع: مختاری هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۱۱۵

سه حوضه بزرگ ذخایر گازی جهان یعنی خلیج فارس، سیبری غربی و آسیای مرکزی (ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان) و در یک محدوده بیضی شکل، ۷۰/۲ درصد گاز دنیا را در خود جای داده‌اند که از آن تحت عنوان «بیضی استراتژیک ذخایر گازی جهان» یاد می‌شود (نقشه شماره ۲). این ذخایر عظیم گازی در میان دو بازار بزرگ مصرف اتحادیه اروپا و جنوب شرق آسیا قرار گرفته است (ویسی، ۱۳۸۷: ۳۰۲). ایران با توجه به این قابلیت‌های ژئواکونومیکی خود و با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و همچنین منابع انرژی فراوانش می‌تواند پاسخگوی نیاز این کشورها باشد. آنچه مسلم است اینکه در دهه‌های آتی در ژئوپلیتیک گاز، ایران نقش تعیین‌کننده و کلیدی را بر عهده خواهد داشت و منابع گاز ایران می‌تواند نقش راهبردی در امنیت انرژی داشته باشد. زیرا از یک سو گاز در استراتژی امنیت انرژی مصرف‌کنندگان آسیایی جایگاهی ویژه یافته است و از سویی دیگر، ایران دارنده دومین ذخایر گاز جهان پس از روسیه است.

بنابراین، ایران با برخورداری از این موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و با داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز در جهان و تجربه طولانی در حوزه انرژی و موقعیت جغرافیایی مناسب، در خلیج فارس و دریای خزر و همسایگی با آسیای مرکزی، از امکان ایجاد پیوند میان منابع انرژی خود از جنوب، شرق و شمال شرقی به وسیله خطوط لوله به مصرف‌کنندگان آسیایی، برخوردارست. از این رو ایران، با در اختیار داشتن دومین ذخایر بزرگ گاز جهان و همسایگی با دو حوزه بزرگ مصرف‌کننده گاز یعنی هند و چین در شرق و اروپا

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

در غرب، آنچنان جایگاهی در حیطه منابع هیدروکربوری در اختیار دارد که حتی تلاش‌های بی‌وقفه ایالات‌متحده در جلوگیری از گسترش مبادلات انرژی ایران و کارشکنی‌های متعدد این کشور در فرایند صادرات انرژی از ایران به کشورهای مختلف نیز نتوانسته است از شدت علاقمندی آنها به انرژی ایران بکاهد. به واسطه این اهمیت ژئواکونومیک و اهمیتی که به لحاظ تجاری و اقتصادی این منطقه پیدا می‌کند، منطقه خاورمیانه و در کانون آن ایران از اهمیت خاصی برخوردار است. لذا، ایران کشوری است که امنیت آن و محیط پیرامونش برای محافل بین‌المللی اهمیت دارد. از این رو زمانی که میزان ذخایر هارتلند انرژی را در یک معادله و جاذبه‌ها و تقاضاهای مصرف جهانی، بویژه ایالات متحده آمریکا و هم پیمانان آن در معادله دیگری قرار دهیم، حضور و نفوذ آمریکا و محاصره کانون انرژی جهان و مخالفت و مقابله با ایران قابل تبیین خواهد بود.

۲- موقعیت ایران از لحاظ مسیرهای انتقال انرژی و نقش حیاتی این کشور در امنیت جهانی انرژی: ایران با موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ویژه‌ای که برای منطقه محصور در خشکی آسیای مرکزی دارد، یک کشور ترانزیتی مطلوب است و می‌تواند تولیدات نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان را به بهترین شکل به دریای آزاد و حتی از طریق ترکیه به اروپا برساند. با وجود تلاش دولت آمریکا برای نادیده گرفتن این ویژگی و سیاسی کردن راه انتقال نفت و گاز، هنوز ایران به عنوان امن‌ترین، اقتصادی‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر برای انتقال منابع انرژی به آبهای آزاد مطرح است. در جهانی که امنیت ملی کشورها با تأمین انرژی گره خورده است، حفظ و پاسداری از این موقعیت ویژه برای ایران اهمیتی استراتژیک دارد. داشتن نقش اساسی در تأمین انرژی جهان، که ضامن درآمدهای کافی برای توسعه کشور باشد، امنیت ملی کشور را نیز تضمین خواهد کرد. بنابراین هدف استراتژیک بخش نفت و گاز کشور می‌تواند کسب سهم بیشتر در تأمین تقاضای جهانی انرژی طی دو دهه آینده باشد. این امر از یک سو، به معنای حداکثرسازی برخورداری از منافع بازار بین‌المللی انرژی و از سویی دیگر، بیانگر افزایش وابستگی کشورهای جهان به نفت (به شمول فرآورده های نفتی، گاز طبیعی و فرآورده‌های آن) و یافتن جایگاهی راهبردی برای ایران در انرژی جهان است. حداکثرسازی درآمدهای نفتی، مستلزم اتخاذ تدابیری هماهنگ در دو مقوله، یعنی افزایش حجم صادرات و ثبات یا افزایش قیمت نفت می‌باشد. (مختاری هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

در این رابطه تعامل ایران با کشورهای منطقه و جهان و ایجاد شبکه‌های منطقه‌ای برای استفاده از مزیت‌های ایران در زمینه انرژی، خود زیربنای محکمی برای تأمین امنیت کشور و جلوگیری و یا محدودسازی تهدیدات کشورهای مخالف ایران است. در واقع می‌توان در این چارچوب ادعا کرد که انرژی یکی از حلقه‌های پیوند ایران با جهان خارج است و از این حیث دیپلماسی انرژی ایران و توسعه ملی کشور به صورت متقابل با یکدیگر تعامل و پیوندی عمیق می‌یابند در سال‌های اخیر، سیاست برقراری پیوند راهبردی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آسیایی، به عنوان حرکتی اقتصادی و نیز در جهت امنیت ملی کشور طراحی و پیگیری شد. برقراری ارتباط با شرکت‌های آسیایی، با اولویت و محوریت کشورهای چین، هند، ژاپن به عنوان بزرگترین مجموعه مصرف‌کنندگان فعلی و آتی جهان و قطب مصرف آسیا، در اجرای همین سیاست بوده است. همچنین تلاش در جهت تحقق ایده اتصال چین به خط لوله گاز ایران - پاکستان - هند را می‌توان گام نخست و اساسی در جهت نیل به وابستگی متقابل آسیایی دانست. زیرا در صورت تحقق این ایده، غرب آسیا و ایران، نقش مهمی در تأمین امنیت انرژی شرق و جنوب این قاره بر عهده خواهند گرفت و در نتیجه وابستگی متقابل دو سوی قاره را معنادار خواهند کرد.

به علاوه، تحقق خط لوله گاز میان هند و پاکستان که از آن به عنوان «خط لوله صلح» نیز نام برده می‌شود، تأثیرات عمده‌ای در حل یکی از مهمترین بحران‌های قاره آسیا (اختلافات کشمیر میان هند و پاکستان) خواهد داشت و گامی اساسی در جهت تحقق «صلح و توسعه» در بخش مهمی از این قاره خواهد بود(ملکی، ۱۳۸۶: ۲۱۸). بر این اساس یکی از راه‌هایی که ایران می‌تواند ضریب امنیت ملی خود را افزایش دهد، توجه به سیاست خارجی مبتنی بر امنیت انرژی است. دیپلماسی انرژی انجام ماموریت‌های دیپلماتیک در حمایت از تجارت کشور و بخش مالی در تشویق موقعیت اقتصادی و اهداف کلان توسعه کشور در بخش انرژی و شامل تشویق سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در حوزه انرژی است.

بر این اساس جمهوری اسلامی ایران که به عنوان یک کشور مهم از دید استراتژیک در دوران جنگ سرد مطرح بود، اکنون با عامل اقتصادی (ژئواکونومی) منطبق شده است و موقعیت منطقه‌ای آن در دوران جنگ سرد، به موقعیت ممتاز بین‌المللی در عرصه جهانی بدل گشته است. این موقعیت استثنایی، جایگزین‌ناپذیر بوده و نقش محوری در تدوین استراتژی های جهانی قدرت در سده حاضر خواهد شد. به طوری که ایران با تسلط طبیعی بر تنگه هرمز و جزایر استراتژیک اطراف آن و همچنین هم مرز بودن با دومین منبع عمده نفت و گاز جهان در شمال، موجب می‌گردد جایگاه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از نقش‌آفرینان اصلی استقرار صلح و ثبات بین‌المللی در سده بیست و یکم باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز باید به تدوین بپردازد که هم جوابگوی مشکلات و مطالبات منطقه‌ای و جهانی باشد و هم به نحو «دستور کار ژئوپولتیکی» یک بسیار مطلوب، متضمن امنیت و منافع ملی و تحقق آرمان های انقلاب اسلامی گردد.

۲-۱ ژئوپلیتیک انرژی ایران

جغرافیای انرژی فرصت ژئواکونومیک مناسبی را پیش‌روی ایران قرار داده است. ایران ۱۰/۳ درصد ذخایر اثبات شده نفت خام جهان و ۱۵/۸ درصد ذخایر اثبات شده‌ی گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد. ذخایر نفت خام ایران (۱۳۷/۶ میلیارد بشکه در اول سال ۲۰۱۰ میلادی) به مراتب بیشتر از ذخایر نفتی قاره‌ی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

آفریقا با ۱۱۷/۵ میلیارد بشکه (۹/۵ درصد ذخایر جهانی) یا آمریکای مرکزی و جنوبی با ۱۱۱/۲ میلیارد بشکه (۹ درصد ذخایر جهانی) است. همچنین ذخایر نفتی ایران، کمابیش با مجموع ذخایر نفتی اروپا و اوراسیا با ۱۴۳/۷ میلیارد بشکه که حدود ۱۱/۶ درصد از ذخایر جهانی است، برابری می‌کند. (مهدیان و فخری، ۱۳۹۱: ۴۹).

جدول ۳. ذخیره، تولید و عمر ذخایر نفت خام و گاز طبیعی ایران (ژانویه ۲۰۱۰)

ایران	ذخیره در پایان ۱۹۸۷	ذخیره در پایان ۱۹۹۷	ذخیره در پایان ۲۰۰۵	ذخیره در ژانویه ۲۰۰۸
نفت خام	۹۲/۹	۹۲/۶	۱۳۷/۵	۱۳۸/۴
گاز طبیعی	۱۳/۹۶ (تریلیون فوت مکعّب)	۲۳/۰ (تریلیون فوت مکعّب)	۲۷/۵۸ (تریلیون فوت مکعّب)	۲۹/۶۱ (تریلیون فوت مکعّب)

ایران	ذخیره در ژانویه ۲۰۱۰	تولید در پایان سال ۲۰۰۹	درصد از ذخائر جهانی	عمر ذخائر (ذخیره بر تولید
نفت خام	۱۳۷/۶	۴/۲ میلیون بشکه در روز	۱۰/۳	۸۹/۴ (سال)
گاز طبیعی	۱۰۴۵/۷ (تریلیون فوت مکعّب)	۱۳۳/۱ (میلیون متر مکعّب)	۱۵/۸	بالای یکصد سال

همچنین ایران با ذخیره‌ی ۱۰۴۵/۷ تریلیون فوت مکعب‌گاز طبیعی، پس از روسیه در جایگاه دومین دارنده‌ی بزرگ ذخایر گاز طبیعی جهان قرار دارد (جدول شماره‌ی ۲).

جدول٤- ذخایر گاز طبیعی ایران از ۲۰۰۹-۱۹۸٦

ایران	ذخیره در پایان۱۹۸٦ (تریلیون متر مکعب)	ذخیره در پایان۱۹۹٦ (تریلیون متر مکعب)	ذخیره در پایان۲۰۰۵ (تریلیون مترمکعب)	ذخیره در ژوئن ۲۰۰۹ (تریلیون متر مکعب)
گاز طبیعی	۱۳/۹۶	۲۳/۰	۲۷/۵۸	۲۹/۶۱

ایران	ذخیره در ژوئن ۲۰۰۹ (تریلیون فوت مکعب)	تولید در پایان ۲۰۰۸ (میلیون متر مکعب)	درصد از ذخائر جهانی	عمر ذخائر (ذخیره بر تولید)
گاز طبیعی	۱۰۴۵/۷	۱۱۶/۳	۱۶/۰	بالای یکصد سال

ایران با منابع عظیم انرژی یاد شده به عنوان متغیرهای تأثیرگذار جغرافیایی، ظرفیت و قابلیت رسیدن به یکی از شرکای محوری مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی جهان را دارد.

ظرفیت صادرات گاز طبیعی ایران هم اکنون برابر با ۷ میلیارد مترمکعب در سال است و پیش‌بینی می‌شود، ظرفیت صادرات گاز طبیعی ایران در سال ۲۰۲۰، بیش از ۱۰ برابر حال حاضر شده و به ۸۰ میلیارد مترمکعب در سال برسد. در سال ۲۰۲۰ اروپا و آسیای جنوبی، به ویژه پاکستان و هند، بزرگترین واردکنندگان گاز طبیعی ایران خواهند بود. همچنین پیش‌بینی می‌شود، در سال ۲۰۲۰ ترکیه، ایتالیا و یونان،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

مهم‌ترین واردکنندگان گاز ایران در بازار غرب باشند و گاز ایران پس از طی خاک این سه کشور، به اتریش و همسایگانش برسد. (مهدیان و فخری، ۱۳۹۱: ۵۰).

از دیگر ویژگی های ژئوپلیتیک انرژی ایران که سبب ارتقای جایگاه ایران در امنیت انرژی جهانی شده، واقع شدن ایران در مرکز کانون استراتژیک انرژی جهان است. ایران با جای گرفتن در منطقه‌ی خاورمیانه و بین دو حوزه‌ی سرشار از انرژی؛ یعنی خلیج فارس و دریای خزر، اهمیت ژئواستراتژیک بسیار دارد و همچون پل پیونددهنده‌ی این دو منطقه مطرح است (بهروزی فر، ۱۳۸۳: ۳۲). کمابیش دو سوم ذخایر اثبات‌شده‌ی نفت و یک سوم ذخایر اثبات شده‌ی گاز طبیعی جهان، در اختیار کشورهای خلیج فارس قرار دارد. اگر ذخایر برآوردشده‌ی دریای خزر به آن اضافه شود، ذخایر نفت به ۷۰ درصد و ذخایر گاز به بیش از ۴۰ درصد می‌رسد. به همین دلیل بیضی انرژی خلیج فارس – دریای خزر یکی از مهمترین موقعیت‌های استراتژیک دوران ماست (کمپ و هارکاوی، ۱۳۸۳: ۱۸۷–۱۸۸) که ایران در مرکز آن قرار دارد.

منابع عظیم نفت و گاز واقع شده در منطقه‌ی خلیج فارس و ترانزیت روزانه‌ی حدود ۱۷ میلیون بشکه نفت خام از تنگه هرمز، همچنین وجود حوزه‌های قابل توجه نفت و گاز در کشورهای حوزه‌ی خزر و عدم دسترسی این کشورها به آب‌های آزاد، موقعیت ممتاز جغرافیایی را برای ایران به وجود آورده که می‌تواند آن را به عنوان یکی از مسیرهای اصلی انتقال انرژی از این حوزه‌ها به سایر نقاط جهان مطرح کند و در صورت استفاده از این قابلیت‌های بالقوه، ایران نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین امنیت انرژی جهان خواهد داشت (مبینی دهکردی، ۱۳۸۸: ۱۸).

ایران، به عنوان اقتصادی‌ترین، امن‌ترین و نزدیک‌ترین گذرگاه گازی کشورهای آسیای میانه به بازارهای جهانی و به ویژه، کشورهای جنوب آسیا و اروپا و نقشی انکارنشدنی در بازارهای جهانی انرژی داشته و خواهد داشت. از سویی با توجه به موقعیت جغرافیایی پراهمیت ایران، هند، چین و کشورهای اروپایی بزرگترین بازار بالقوه گاز طبیعی ایران به شمار می‌آیند. بر پایه‌ی پیش‌بینی‌ها، مصرف گاز در این مناطق در دو دهه آینده، به دلیل نیاز نیروگاه‌های برق و مسائل زیست‌محیطی، افزایش خواهد یافت. بنابراین منطقی است که زمینه‌های انتقال گاز طبیعی از ذخایر بسیار سرشار ایران به بازارهای رو به رشد (حتی به صورت لوله یا ال. ان. جی) بررسی شود (بهروزی فر، ۱۳۸۳: ۲۰۶). بنابراین می‌توان ادعا کرد که انرژی یکی از حلقه‌های پیوند ایران با جهان خارج است و از این نظر، دیپلماسی انرژی ایران و توسعه ملی کشور، به صورت متقابل با یکدیگر تعامل و پیوندی عمیق می‌یابند. همین جایگاه مهم و حساس است که توسعه‌ی صنعت نفت را به کانون توسعه‌ی ملی تبدیل می‌کند. به این ترتیب می‌توان گفت که موضوع انرژی و چگونگی توسعه‌ی آن برای جمهوری اسلامی ایران، هم به عنوان یک ابزار قدرت و هم به عنوان یک هدف سیاست خارجی مطرح است (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۴).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

ایران به‌دلیل دارا بودن دومین منابع عظیم انرژی (نفت و گاز) و همچنین موقعیّت ژئوپلیتیک مناسب؛ یعنی واقع شدن درمیان دو کانون مهم انرژی دنیا (خلیج فارس و دریای خزر) در جایگاه ویژه‌ای از نظر تأمین انرژی و امنیّت آن قرار گرفته است. انرژی و امنیّت آن با توجّه به اهمّیّتی که برای مصرف‌کنندگان دارد، می‌تواند به یکی از محمل‌های پیوند ایران با قدرت‌های مؤثّر در نظام جهانی تبدیل شود. برقراری پیوندهای انرژی با کشورهای مهم و تأثیرگذار در عرصه‌ی بین‌المللی، افزون بر منافع اقتصادی، منافع امنیّتی قابل توجّهی را برای کشور در پی خواهد داشت؛ زیرا این کشورها را در تأمین یک کالای استراتژیک و امنیّت آن، به میزان قابل توجّهی به ایران وابسته می‌کند. از مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی جهان می‌توان کشورهای عضو اتّحادیه‌ی اروپایی را نام برد که هم‌اکنون در کنار ایالات متّحده‌ی آمریکا، در صدر بزرگترین مصرف‌کنندگان انرژی جهان قرار دارند. زمینه‌های انرژی ایران، از جمله فرصت‌های پیش روی این کشورها برای تنوّع بخشی به بازار بزرگ تقاضای انرژی‌شان است، اما این کشورها با وجود نیاز بالا به واردات انرژی در طول دهه‌ی اخیر، به‌دلیل اختلاف‌های سیاسی، نه‌تنها پایین‌ترین سطح روابط انرژی را با جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند، بلکه در مواردی نیز، به‌دلیل هم‌سویی با سیاست‌های ضدّایرانی آمریکا، مانع از تحقّق فرصت‌های ژئوپلیتیک انرژی ایران شده‌اند. ادامه‌ی این روند با توجّه به جایگاه ایران در امنیّت انرژی منطقه‌ای و جهانی و همچنین نیاز رو به افزایش کشورهای اروپایی به واردات نفت و گاز، در دراز مدّت، در راستای اهداف امنیّت انرژی کشورهای یاد شده نیست.

۳-۱ سیاست‌های انرژی ایران

پس از انقلاب و استقرار نظام جمهوری، دولت سیاست‌های جدیدی را در حوزه ی داخلی و خارجی تدوین کرد و در وضعیت اقتصادی کشور بازنگری کرد. بازنگری در ابعاد اقتصادی در نهایت منجر به تصویب قوانین جدیدی شد که به تسلط بیشتر دولت بر اقتصاد و منابع ملی انجامید. قوانین جدید با هدف ملی‌گرایی بیشتر و توزیع عادلانه‌ی ثروت به ویژه در خصوص منافع حاصل از فروش نفت انجام گرفت (عسگریان، ۱۳۹۵: ۸۱)، بعد از انقلاب رویکرد سیاست خارجی مبتنی بر ایدئولوژی تغییرات اساسی بر رویکرد ایران به ماهیت جهان ایجاد کرد. به دلیل استعمارگرایانه نگاه کردن به غرب، تقابل به جای همکاری با غرب در پیش گرفته شد که حوزه انرژی نیز از این امر مستثنی نبود و تحت تأثیر این سیاست‌ها قرار گرفته بود. از اینرو ایران تولید و صادرات انرژی و روابط خود را با غرب در حوزه انرژی تا حد امکان کاهش داد. این سیاست‌های جدید باعث کاهش ۷۵ درصدی تولید نفت در طول سال های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ شد. علاوه بر سیاست‌ها تقابلی ایران با غرب، وقوع جنگ ایران و عراق به همراه تحریم‌های نفتی ایالات متحده آمریکا علیه ایران به این روند نزولی تولید انرژی خصوصاً نفت شدت بیشتری بخشید.

پس از پایان جنگ، برای جبران خسارات ناشی از آن و همچنین لزوم افزایش سرمایه گذاری در صنایع نفتی. دولت دست به یک سری اصلاحات در سیاست‌های داخلی زد. از این رو قوانین حوزه‌ی نفتی اصلاح

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

گردید و محدودیت‌هایی که بعد از انقلاب بر سر سرمایه‌گذاران خارجی گذاشته شده بود، کم شد، دولت علی اکبر هاشمی رفسنجانی با اتخاذ سیاست‌های همکاری‌جویانه با کشورهای اوپک توانست عنوان دومین صادرکننده نفت بعد از عربستان را به خود اختصاص دهد. در پی ادامه سیاست‌های پیشین دولت، سیاست‌های دولت خاتمی بر همکاری بیشتر در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و گسترش روابط با کشورهای منطقه و جهان (خصوصا کشورهای اروپایی) استوار بود.

بنابراین می‌توان گفت دو دولت مذکور رویکرد همکاری‌جویانه را در راستای افزایش تولید و صادرات انرژی و به تبع آن تأمین امنیت انرژی کشور در پیش گرفتند. در چنین شرایطی، بر خلاف دو دولت پیشین که در پی حل مشکل با غرب بودند، احمدی نژاد سیاست رویکرد به شرق و جانشینی همکاری با کشورها و شرکت‌های نفتی چین و هند را اتخاذ کرد. سیاست نگاه به شرق و عدم تلاش برای حل مشکل با غرب ناشی از درآمدهای بالای ایران هم بود در حقیقت، درآمد بالای نفت باعث شد تا در دوران حکومت احمدی نژاد، ایران فشار زیادی را در حوزه نفت متحمل نشود و بتواند با مسائل اقتصادی خویش کنار بیاید (یاری و دانش رضایی، ۱۳۹۶: ۳۴-۳۵).

سیاست نگاه به شرق به دلیل افزایش فشار تحریم‌های بین‌المللی و همه جانبه علیه ایران و پیوستن کشورهای شرقی از جمله چین به لیست کشورهای تحریم‌کننده ایران، چندان موفق نبود. تحریم‌های بین‌المللی از طریق کاهش ورود تکنولوژی و سرمایه‌گذاری در بخش انرژی جمهوری اسلامی باعث کاهش تولید و صادرات نفت و گاز شده است علاوه بر این در سال های اخیر، کاهش قیمت نفت به عنوان یکی دیگر از عوامل دخیل در به چالش کشیدن امنیت انرژی جمهوری اسلامی، باعث شده است تا در حوزه انرژی رویکردهای جدیدی پیش گرفته شود، مهمترین اقدام در این راستا، رویکرد اعتدال گرایی و دید مثبت به گسترش روابط با غرب است که در مسئله هسته ای ایران و مذاکرات نمود پیدا کرد. جمهوری اسلامی ایران برای تامین امنیت انرژی خود در حوزه تکنولوژی، سرمایه گذاری و همچنین بازار انرژی غرب، در تلاش برای افزایش همکاری با آنها است.

امنیت انرژی، ارتباط مستقیم با جایگاه ژئوپلیتیکی کشورها و همسایگان آنها دارد. از این نظر ایران در میان کشورهای جهان جایگاه ویژه‌ای دارد. با توجه به اهمیت روزافزون تأمین امنیت انرژی و تنوع دستیابی به منابع و عرضه‌ی آن از مسیرهای گوناگون، فرصت عظیم تاریخی برای ایران در جهت ایفای نقش در این زمینه به درستی مورد شناسایی و بهره‌برداری قرار نگرفت. ایران در برابر فشارهای آمریکا برای انزوای جهانی، به اروپا و سپس چین برای تأمین نیازهای انرژی آنها تمایل یافت. قراردادهای ایران با چین به ۱۰۰ میلیارد دلار رسید، که برای چین در رفع نیازهای آن بسیار گرانبها بوده است. ایران که سومین تأمین‌کننده‌ی نفت ژاپن نیز می‌باشد، به جای بهره‌گیری از توانمندی‌های جغرافیایی خود، به بازیگری همراه و همساز در شرایط پس از فروپاشی اتحاد شوروی، برای روسیه تبدیل شده است. بازیگری که

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

همه‌ی عرصه‌های رقابت را برای ادامه‌ی تقابل با آمریکا و اروپا، به نفع روسیه واگذار کرده است. ایران که از موقعیت بی‌نظیر و استثنایی در میان دو حوزهی استراتژیک انرژی جهان، یعنی خلیج‌فارس و دریای مازندران برخوردار است (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۱۲۷-۱۳۴)، در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد شوروی به شریکی پرفایده برای روسیه تبدیل شده است. ابتدا چشم‌پوشی از منافع حقوقی و قانونی در دریای مازندران، سپس از دست دادن مزایای سیاسی- اقتصادی انتقال انرژی از مسیر ایران شکل گرفت. برای روسیه که نگران تنوع در مسیرهای انتقال انرژی از جمهوری‌های پیشین عضو اتحاد است، سیاست‌های ایران بسیار مطلوب بوده است.

ایران به جای بهره‌گیری از موقعیت ممتاز جغرافیایی خود، برای انتقال انرژی از آسیای مرکزی و قفقاز به بازارهای جهانی و ارائه‌ی تسهیلات برای راهیابی بازیگران جهانی به حوزه‌ی دریای مازندران، همراه با روسیه، بدون ایجاد نگرانی برای این کشور، در جهت تأمین منافع انحصاری آن در کنترل انتقال انرژی از مسیرهای جنوبی به سوی آب‌های آزاد جهان، همگامی با آن را هدف قرار داده است. از سوی دیگر آمریکا هم در پی تأمین اهداف خود، بزرگنمایی تهدید ایران را دنبال کرده و پیوسته کوشیده ایران را عامل تهدید و بی‌ثباتی در منطقه‌ی خاورمیانه و خلیج‌فارس معرفی کند. در این زمینه برخی از جریان‌های داخلی نیز همراهی سازنده‌ای را شکل داده‌اند. ترسیم یک تهدید پایدار از ایران، در سال‌های پس از انقلاب اسلامی همواره از سوی آمریکا، به ویژه جریان‌های نو محافظه کار و بنیادگران دنبال شده است.

از شعارهای داخلی در ایران برای نابودی اسرائیل، بهترین ابزارها در جهت تحکیم یکپارچگی علیه ایران و تأمین منافع اسرائیل برای نمایش تهدیدهای امنیتی علیه آن تهیه شده است. ترسیم تهدید ناشی از یک ایران مجهز به سلاح هسته ای در این زمینه، جهت تأمین نیازهای آمریکا برای انزوای ایران بسیار مؤثر بوده است. تمرکز بر تهدید شیعی‌گری ایران در منطقه، طرح انباشت سلاح‌ها و موشک‌های ایرانی در سیاست بزرگنمایی تهدید ایران، به محروم شدن کونکو Conoco، انرون Enron اکسون Exxon و شورون Chevron از بازارها و صنایع نفت ایران منجر شده است. مخالفت پایدار آمریکا با تلاش ایران در بهره‌گیری از مزایای ژئوپلیتیکی آن در اجرای پروژه‌ی انتقال گاز از ایران به پاکستان و سپس هند، همکاری هسته‌ای آن را با هند نیز توسعه داده است.

کرملین هم به جای خط لوله‌ی صلح (ایران - پاکستان - هند)، از خط لوله‌ی ترکمنستان به افغانستان، پاکستان و هند که مورد تأکید آمریکا است، حمایت می‌کند. هراس از اشاعه ی تکنولوژی هسته‌ای در میان کشورهای اسلامی، برای آمریکا و اروپا و در اصل همه کشورهای صاحب سلاح هسته‌ای بسیار جدی بوده است. رقابت بازیگران جهانی در عرصدی تأمین انرژی و امنیت بخشیدن به دستیابی به آن، برای ایران فرصت‌های چشمگیری را عرضه کرده، هرچند هزینه‌های بهره‌گیری از آن همواره رو به افزایش است. با

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

خروج کونکوی آمریکایی، توتال فرانسوی انجام تعهدهای آن را بر عهده گرفت، ولی هزینه‌های آن از محل درآمدهای عظیم نفت ایران پرداخته شد.

دو دیدگاه متفاوت بر مقولهٔ راهبرد انرژی و کارکردهای آن حاکم است که در سطح کلان تر بر تفکرات حوزه سیاست خارجی ایران نیز سیطره دارد. دیدگاه نخست، انرژی را از منظر سیاست سخت در قالب نگرش قدرت محور امنیت ملی می نگرد. این دیدگاه آشکارا مبتنی بر انگاره های واقع گرایانه روابط بین‌الملل است که همکاری پایدار در حوزه‌های مختلف بین‌المللی را امری ناممکن دانسته و هر نوع پیوند همکارانه میان دولت‌ها را موقتی و بسیار شکننده می‌داند. این نگرش که بیشتر مورد علاقه استراتژیست‌هاست به تأمین امنیت از طریق کسب و حفظ قدرت و در چهارچوب بازی حاصل جمع صفر (برد - باخت) باور دارد امنیت ملی در این معنا یعنی تحقق شرایطی برای یک کشور که بتواند خود را از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه حفظ کند. در این چهار چوب هر ملتی باید قدرت خود را (ولو به زبان سایر ملل افزایش دهد) تا امنیت خویش را تأمین کند. این اغلب، قدرت‌های بزرگ هستند که می‌توانند بین عناصر اصلی راهبرد امنیت ملی در معنای فوق ارتباط منطقی و منسجمی برقرار کنند.

معتقدان به این دیدگاه، با نگرشی تنگ نظرانه، انرژی را صرفا وسیله‌ای برای تهدید و بازدارندگی می‌دانند و از این نظر در حوزه‌ای محدود و مناقشه برانگیز از انرژی استفاده می کنند. این همان نگرشی است که از آن تحت عنوان «سلاح تفت»، یا «نفت به مثابه اسلحه» یاد می‌شود. دیدگاه مزبور طرفداران زیادی در داخل کشور دارد که اساسا نقش ایران در حوزه امنیت انرژی را از منظر بازدارندگی منفی می نگرند و نقطه قوت ایران را در توان امنیت‌زدایی ما می‌دانند؛ به عبارت دیگر این تفکر در صدد است به دنیا بگوید که ایران به واسطه قدرت امنیت‌زدایی در عرصه امنیت انرژی باید به عنوان یک بازیگر مهم در نظر گرفته شود (و گرنه بازی امنیت انرژی را بر هم خواهد زد). از این دیدگاه با نام بازدارندگی منفی یاد می کنیم (منفی از این نظر که به جای تأکید بر توان سازندگی و نقش آفرینی مثبت، بر قدرت تخریبی صرف ایران در بازار جهانی انرژی تکیه می کند). (موسوی شفائی، ۱۳۸۹: ۱۶۹-۱۷۰).

دیدگاه دوم متأثر از نگرش امنیت بین‌المللی بوده و تأمین امنیت یک ملت را در گروی ارتقا امنیت همه ملت‌ها می‌داند. این دیدگاه مورد علاقه اقتصاددانان است که با توجه به جهانی شدن اقتصاد، بازار انرژی را نیز به مثابه یک بازار یکپارچه درک می کنند که امنیت آن از طریق همکاری تمام طرف‌ها و بر اساس بازی برد - برد قابل تأمین است. طرفداران نگرش مزبور در داخل کشور با توجه به فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که نظام بین‌الملل پیش‌روی ایران قرار می‌دهد، بر این باورند که برای توسعه ملی برون گرای مد نظر سند چشم‌انداز بیست ساله، در حوزه انرژی نیز باید تفکر همکاری و رقابت همزمان را در پیش بگیریم و به منزله بازیگری قدرتمند در حوزه امنیت انرژی نقشی مثبت ایفا کنیم. این به معنای نفی و با تضعیف توان

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

بازدارندگی منفی و یا از بین بردن ظرفیت امنیت‌زدایی ما نیست؛ بلکه منظور آن است که در این حوزه برای تحقق اهداف توسعه‌ای چشم‌انداز باید با نگرشی مبتنی بر بازدارندگی مثبت، به جای تأکید صرف بر عنصر امنیت زدایی، با ایفای نقش سازنده، فعال و مسئولانه در این عرصه، به عنوان بازیگری امنیت را ظاهر شویم و از این طریق جایگاه ایران را به مرتبه‌ای ارتقا دهیم که فقدان و عدم حضور ما در حوزه امنیت انرژی، به عنوان خلأیی بزرگ از سوی سایر بازیگران محسوب شده و آن را عاملی بازدارنده (از نوع مثبت) برای کنار گذاشتن، محدود کردن و یا حتی تحریم ایران قلمداد کرده و بر مبنای توان بازدارندگی مثبت مبتنی بر امنیت‌زایی ما، از حاشیه‌ای گردن کشورمان در ترتیبات مربوط به تأمین امنیت جهانی انرژی بپرهیزند. (موسوی شفائی، ۱۳۸۹: ۱۷۰).

به نظر می‌رسد سند چشم‌انداز بیست ساله با توجه به اهداف توسعه‌ای خود به الگوی امنیت بین‌الملل و بازدارندگی مثبت در حوزه انرژی و در قالب کنش در فضای جریان‌ها نزدیکتر است. به عبارت دیگر تفکر حاکم بر سند چشم‌انداز و اهداف آن ما را ملزم می‌سازد که در راهبرد انرژی نیز، از حرکت در مسیر تقابل در قالب فضای مکان‌ها که انرژی را صرفا در چهارچوب قدرت سخت مبتنی بر تهدید و بازدارندگی منفی درک می‌کند، پرهیز کنیم. این سند همچنین ما را ملزم می‌سازد کنش گری و تعامل در فضای جریان ا و توسعه برونگرای مبتنی بر اصول همکاری و رقابت همزمان (بازدارندگی مثبت) با سایر کشورهای این عرصه را برگزینیم.

از آنجا که راهبرد انرژی دقیقاً در مرز میان فضای مکان‌ها و فضای جریان‌ها و مابین قدرت سخت و قدرت ترم قرار گرفته، تفکر حاکم بر آن می‌تواند ما را به سوی یکی از این دو فضا سوق دهد؛ به بیان دیگر نحوه کنش ما در حوزه انرژی و به ویژه نقشی که در قبال امنیت جهانی انرژی و در قالب راهبرد انرژی برای خود قائل هستیم (بازدارندگی مثبت با بازدارندگی منفی)، نشان می‌دهد ما چه تصوری از نظام بین‌الملل داریم و در چهارچوب کدام یک از فضای جریان‌ها و فضای مکان‌ها اهداف خود را تعریف و تعقیب می‌کنیم و در نهایت قصد داریم در عرصه بین‌المللی به چه نوع قدرتی تبدیل شویم و پاسخ جهان در برابر این تلاش برای ارتقای جایگاهمان در سلسله مراتب قدرت جهانی چه خواهد بود؟

انتخاب استراتژیک زندگی در فضای جریان‌ها، الزاماتی را بر سیاست خارجی، استراتژی امنیت ملی و راهبرد انرژی ایران تحمیل می‌کند و هماهنگی میان آنها را ضروری می‌سازد. این انتخاب استراتژیک به معنای اولویت یافتن سیاست خارجی توسعه‌گرای مبتنی بر تعامل سازنده و راهبرد انرژی همکاری جویانه بین‌المللی با مرکزیت بازدارندگی مثبت و مؤثر ایران در تأمین امنیت جهانی انرژی است؛ و این مهم از محل تبدیل ظرفیت انرژی کشور به ابزار اعتماد سازی، محور تعامل سازنده و موتور توسعه ملی قابل تحقق است. راهبرد انرژی باید بتواند سیاست کلان کشور (سند چشم‌انداز) و الزامات توسعه صنعت انرژی (به طور خاص) و توسعه عمومی کشور (به طور عام) را به صورتی ارگانیک و هم افزا به هم پیوند دهد؛ پس

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

باید از یک سو ارتباطی تنگاتنگ با سند چشم‌انداز داشته و به بخش جدایی‌ناپذیر آن تبدیل شود و از دیگر سو در راستای این ارتباط ارگانیک، الزامات، نیازهای فنی و راهکارهای عملیاتی تحقق خود را تعریف کند. با در نظر گرفتن این اصل و از آنجا که سیاست خارجی توسعه‌گرا محل وقوع و ابزار ایجاد تعامل هم افزا میان داخل و خارج است، راهبرد انرژی کشور نیز باید با جهت گیری کاملا برون‌گرایانه و تعاملی با جهان و با محور قرار دادن امنیت انرژی در قالب الگوی امنیت بین‌المللی در ذیل اهداف سند چشم‌انداز و در هماهنگی تنگاتنگ با سیاست خارجی کشور تدوین شود تا سیکلی از چشم‌انداز (توسعه)، سیاست خارجی توسعه‌گرا و راهبرد انرژی برون‌گرا ایجاد شود؛ به گونه‌ای که هر سه رکن مزبور، در این سیکل هم‌افزا و تصاعدی، یکدیگر را تامین و تقویت‌کنند؛ نقشی که برای خود در تامین امنیت جهانی انرژی قائل هستیم، حلقه واسط عناصر این سیکل هم افزاست.

٤-١ جایگاه انرژی در سیاست خارجی ایران در خلیج فارس

انرژی‌های فسیلی در شکل‌دهی رفتارهای سیاسی کشورها در منطقه خلیج فارس به دلیل اتکای اقتصاد آنها به این انرژی‌ها بسیار تأثیرگذار هستند. به عبارت دیگر انرژی های فسیلی به طور ذاتی این ظرفیت را دارد که در صورت عدم تحریک توسط عاملی دیگر به تنهایی درصد بسیار بالایی از کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی را در منطقه شکل دهند چرا که مسئله‌ای مانند میادین مشترک نفتی و گازی به صورت صرف، محل رقابت و تقابل با تعامل رفتار سیاسی میان کشورهای مشترک در آن است و این خود نیازی به عامل دیگر جهت به فعلیت رساندن این ظرفیت ندارد.

در تجزیه‌وتحلیل مسائل پیرامون انرژی‌های فسیلی در خلیج فارس مشاهده می‌شود سیاست خارجی ایران در قبال انرژی‌های فسیلی خلیج فارس در چارچوب دو عامل کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و عراق قرار دارد. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس و عراق مسائل مختلفی در ارتباط با ژئوپلیتیک و انرژی‌های فسیلی در برابر سیاست خارجی ایران قرار داده‌اند. علاوه بر موارد ذکر شده، عوامل تشدیدکننده دیگری نیز وجود دارند که حتی با اندکی دخالت در ساختار موجود، کارکرد سیاسی آن را در این منطقه به شکل بسیار مشهودی دچار تغییر می‌کنند. به عبارت دیگر میزان مشخصی از این دخالت نتیجه ای بیش از آن میزان را در پی دارد. بنابراین مجموع این عوامل باعث شکل‌گیری نتایجی بسیار پیچیده، مبهم و غیرقابل پیش‌بینی می‌باشد. (قالیباف و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۸-۶۹).

در سیستم تابعه خلیج فارس نیروی مداخله گر به عنوان عامل دوم، همواره موضعی بوده است که در صورت عدم وجود این عامل، به شکل‌های دیگری بروز پیدا می‌کردند. نیروی مداخله‌گر با مداخله در اصلی‌ترین عامل ژئوپلیتیک این منطقه، یعنی انرژی‌های فسیلی زمینه رفتارها، رقابت‌ها و درگیری میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس را به صورت جدی به وجود آورده است. با توجه به این

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

موضوع که کشورهای مرکزی در سیستم تابعه خلیج فارس و در رأس آن عربستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره با نوعی بدبینی نسبت به ایران، برداشت متفاوتی از مفاهیمی چون امنیت، انرژی و ارتباط با جهان ابر قدرت داشته و دارند. از این رو راه پیگیری برداشت‌های خود را در برقراری روابطی گرم و دوستانه با نیروی مداخله‌گر می‌بینند و زمینه را برای حضور این نیرو در اصلی ترین بخش اقتصادی – سیاسی خود یعنی انرژی فراهم می‌کنند. بنابر این میان منافع ملی ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تعارض و تضاد به وجود می‌آید. بدیهی است که در سیاست خارجی به عنوان ابزار دست یابی به این منافع بروز این تعارض و تضاد دور از ذهن نخواهد بود. با توجه مسائل مورد بررسی، سیاست خارجی ایران با توجه به عامل انرژی‌های فسیلی می‌تواند در سه قالب شکل‌گیری و اجرا شود.

۱-٤-۱ رویکردهای مختلف در روابط ایران و کشورهای خلیج فارس با توجه به عامل انرژی

الف) رویکرد اول؛ تقابل

سیاست خارجی تقابلی با توجه به زمینه موجود و اختلافی که بر سر موضوع خاصی شکل می گیرد و همچنین کشور مقابل یعنی کشوری که این اختلاف را به وجود می‌آورد و می‌تواند ایجاد شود. به عبارت دیگر مجموع دو عامل نوع مسئله و نوع رابطه با کشور ممکن است سیاست خارجی تقابلی را در قبال آن کشور به ظهور برساند. در شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی، ایران با توجه به این دو متغیر گاه رویکرد تقابلی را انتخاب کرده است. یعنی آنجا که هم مسئله و هم کشور مدنظر ایجاب می‌کند، سیاست خارجی تقابلی را در دست یابی به منافع حداکثری مناسب دانسته است. در منطقه خلیج فارس روابط سیاسی عراق با ایران در برهه‌های مختلف زمانی دارای فراز و نشیب‌های مختلفی بوده است. مثلا در دوره حکومت صدام حسین نوع روابط ایران با این کشور در بدترین شرایط خود (جنگ هشت ساله) قرار داشت ناگزیر سیاست تقابلی را پیش پای تصمیم‌گیران سیاسی کشور قرار می‌داد. اما در حال حاضر در میان عوامل رقابت را حول موضوع انرژی‌های فسیلی میان ایران و عراق به نظر می‌رسد به دلیل آن که روابط سیاسی در حال پیشرفت و گسترش می‌باشد، هر چند مسئله حاد و تنش‌آفرین باشد (مانند افزایش تولید نفت عراق و پیشی گرفتن از تولید ایران) بازهم رویکرد تفایلی را در سیاست خارجی ایران در قبال آن کشور شکل داده و مورد اجرا قرار نمی‌دهد. (قالیباف و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۰).

اما سیاست تقابلی در قبال کشورهای دیگر خلیج فارس می‌تواند به فعلیت برسد. همانطور که پیش از این بیان شد نوع روابط سیاسی با برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به گونه‌ای است که گاهی این روابط دچار تلاطم شده و گاه به اظهار نظرهای تند در قبال آنها رسیده است. بنابراین آنجا که روابط حاکم بر ایران و این کشورها روابطی پرالتهاب و موضع‌گیرانه بوده، عامل انرژی باعث می‌شود

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

سیاست خارجی هر دو طرف، تقابلی پیش رود تا جایی که مثلا کشوری مانند قطر در مجمع عمومی سازمان ملل در جریان بررسی برنامه هسته‌ای ایران به صورت ضمنی خواستار تحریم‌های بیشتر جمهوری اسلامی ایران می‌شود. از این رو از آنجا که نیروی مداخله‌گر نیز رویکردی تقابلی را در قبال ایران اتخاذ کرده است، طبیعی است که رویکرد سیاست خارجی ایران در صورت تضاد منافع در بحث انرژی تیز باهم پیمان این نیرو در منطقه تقابلی می‌تواند باشند.

ب) رویکرد دوم؛ تعامل

سیاست خارجی تعامل‌گرایانه در برخی حالت توانسته و می‌تواند رویکرد جمهوری اسلامی ایران باشد. در این حالت نوع روابط سیاسی دارای ظرفیت همکاری و تعامل بوده و موضوع پیرامون انرژی‌های فسیلی نیز این امکان را داده است که همکاری و تعامل شکل گیرد، و این مسئله تبدیل به یک فرصت شود. مثلا نوع روابط سیاسی فعلی ایران و عراق باعث شده است که حول موضوعی مانند اکتشاف در میادین مشترک، انتقال خط لوله گاز ایران به مشتریان خارجی از خاک عراق و بسیاری مسائل دیگر پیرامون انرژی نه تنها تقابلی صورت نگیرد، بلکه حمایت‌های سیاسی و اقتصادی دوجانبه و ایجاد روابطی عمیق تر به وجود بیاید. این تعامل و نزدیکی سیاست‌های دوجانبه را می‌توان در نشست خرداد ماه ۱۳۹۱ اوپک به وضوح مشاهده نمود. در این نشست ایران و عراق در موضعی هماهنگ از عربستان سعودی خواستند که میزان تولید خود را کاهش دهد. (حسین پور، ۱۳۹۵: ۸۴).

ج) رویکرد مسابقه محور

اساساً فضای بین‌المللی، محیطی است که خواسته یا ناخواسته موجودیت هر کشوری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان کار ویژه‌ای اصلی برای هر دولت، مدیریت نحوه تعامل با دنیای خارج است. این مدیریت گاه موجب شده است که ابزار دستیابی به منافع ملی یعنی سیاست خارجی گاه به سمت تنش و ستیزه پیش رفته و گاه شکلی نرم و رویکردی تعامل‌گرایانه و حتی منفعلانه به خود بگیرد. در منطقه خلیج فارس در طول أدوار مختلف هم شاهد رویکرد نخست و هم شاهد رویکرد دوم بوده ایم. اتخاذ هریک از این رویکردها در زمان خود گاه اجتناب ناپذیر بوده است و گاه می‌توانسته با تغییر رویکرد نتیجه‌ای مناسب‌تر را برای منافع ملی کشور تأمین کند. این به معنای نفی سیاست‌های گذشته نیست. رویکرد مسابقه در سیاست خارجی رویکردی جدیدی است که بیش از اینکه کشور را متغیری وابسته نماید، آن را متغیری مستقل ساخته که تحولات و رویدادهای منطقه‌ای را به صورت وابسته خود درمی‌آورد در واقع این رویکرد، همان افزایش کار و تلاش مضاعف است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

در توضیح این رویکرد در سیاست خارجی پیرامون موضوع انرژی‌های فسیلی باید گفت: رویکرد مسابقه محور در سیاست خارجی در رابطه با میادین مشترک؛ سیاست خارجی ایران با توجه به اقدامات انجام گرفته در طرف مقابل و به متناسب با آن، اقدامات و سرمایه‌گذاری‌های داخلی را سازماندهی می‌نماید. همچنین در حوزه افزایش تولید و رقابت بر سر میزان آن، رویکرد مسابقه به گونه‌ای است که از همه ظرفیت‌های موجود برای عقب نماندن از این رقابت استفاده می نماید و به جای تخریب و موضع‌گیری در مقابل طرف‌های مقابل (تقابل) تلاش دارد در پی راهکارها و امکاناتی در سطح بین‌الملل باشد که زمینه را برای رسیدن به سطح تولید مورد نظر فراهم نماید. بنابراین در رویکرد مسابقه محور به سیاست خارجی، مانند دو رویکرد قبلی چندان شرایط روابط سیاسی دو جانبه و همچنین مسئله مرتبط با انرژی مطرح نیست بلکه با هر سطح روابط و در هر مسئله‌ای می‌توان ورود پیدا کرد و به نتیجه رسید چرا که در واقع سرنوشت مسائل به دست خود است تا تحت تأثیر محیط خارجی.

۲-٤-۱- امنیت صادرات انرژی در ایران

امنیت منطقه‌ای که از جمله مفاهیم محوری مکتب کپنهاگ و مورد تاکید باری بوزان را تشکیل می‌دهد، مجاورت و وابستگی متقابل امنیتی در خوشه‌های منطقه‌ای را بسیار حائز اهمیت می‌پندارد. به‌عبارتی دیگر، به دلیل اهمیت مولفه‌هایی نظیر قطبش، ساختار آنارشیک، مرزها، باز بودن و ساخت اجتماعی، الگوی رفتاری مجموعه‌های امنیتی در مناطق مختلف و اتخاذ رویه همکاری‌جویانه در میان خود و مقابله با غیر بیش از پیش برجسته گردیده است.

از دیدگاه بوزان، ر روابط میان دولت‌ها طیف وسیعی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت و حفاظت را شامل می‌گردد و منظور او از دشمنی اشاره به روابطی میان واحدهاست که در آن سوءظن و ترس حاکم باشد. بنابراین وجود الگوی دوستی و دشمنی شرطی اساسی برای تشکیل یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای در دیدگاه بوزان می‌باشد. به خصوص وجود سوءظن و ترس در روابط و تعاملات امنیتی میان اعضای مجموعه مهم خواهد بود. زیرا با توجه به تعریفی که در ادامه از مجموعه امنیتی خواهد آمد وجود در واقع وجود ترس و هراس است که باعث می‌شود تا اقدامات هر یک از اعضای مجموعه موقعیت سایرین را به خطر اندازد.

از سوی دیگر، در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای بوزان بازیگر اصلی هنوز دولتها هستند. اما در زمینه وابستگی متقابل امنیتی می‌توان نتیجه گرفت که مراد بوزان با توجه به تعریفی چند بعدی که از امنیت ارائه می‌دهد، شامل تمام انواع وابستگی‌ها اعم از اقتصادی و غیره می‌باشد زیرا با توجه به نقش مسایل نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی در تأمین یا تهدید امنیت و گستردگی منابع و تهدیدات

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

امنیتی، مسلماً برداشت بوزان از وابستگی متقابل آن نوع وابستگی‌ای می‌باشد که باعث ایجاد شبکه‌ای از روابط امنیتی در تمامی زمینه‌های یاد شده گردد.

با توجه به موارد مطرح شده، برای امنیت صادرات انرژی در ایران، این موضوع متاثر از دو فاکتور حجم صادرات و قیمت صادرات می‌باشد. این عوامل خود متاثر از عوامل درونی و بیرونی زیادی می‌باشند. در خصوص عوامل درونی، ایجاد تغییرات توسط برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی استراتژی‌های داخلی با در نظر گرفتن روابط علی و معلولی و در نظر گرفتن تاثیر بازخورها به خوبی قابل دستیابی می‌باشد. در خصوص عوامل بیرونی توجه به تعاملات مطرح شده در بخش قبلی در تدوین و پیاده‌سازی استراتژی ها یک اصل اساسی است. حجم صادرات تابعی از سه عامل کلی مقدار تولید، میزان مصرف داخلی و میزان تقاضای خارجی و روابط سیاسی و تجاری می‌باشد. مقدار تولید متاثر از میزان ذخایر و همچنین میزان سرمایه‌گذاری در خصوص توسعه و کشف میادین جدید می باشد. که ایران خوشبختانه از نظر ذخایر نفتی و گازی به ترتیب در رتبه چهارم و دوم جهانی قرار دارد. اما در خصوص میزان سرمایه‌گذاری با توجه به اینکه اقتصاد ایران وابسته به درآمدهای نفتی می‌باشد، این میزان از سرمایه‌گذاری وابسته به در آمدهای حاصل از صادرات انرژی‌های فسیلی و همچنین تمایل کشورهای سرمایه‌گذار با توجه به شرایط سیاسی برای برقراری روابط تجاری می‌باشد. (توفیق و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۵-۸۶).

از جمله سیاست‌هایی که ایران می‌تواند در راستای کاهش مصرف داخلی این نوع از انرژی‌ها به کار ببرد، فرهنگ‌سازی در خصوص کاهش و بهینه‌سازی مصرف، افزایش بهره‌وری، کاهش یارانه‌های سوختی و توسعه استفاده از پتانسیل انرژی‌های تجدیدپذیر می‌باشد. (ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی خود از پتانسیل خوبی برای استفاده از انرژی خورشیدی، انرژی باد و بایو گاز برخوردار است).

میزان تقاضا نیز به تولید ناخالص داخلی کشورهای جهان، قوانین زیست‌محیطی و قیمت جهانی نفت و گاز بستگی دارد. باید توجه داشت که در میان این عوامل قوانین زیست‌محیطی خارج از حیطه اختیار کشورهای تولیدکننده می‌باشد. و قیمت جهانی نفت و گاز نیز بر تولید ناخالص کشورها اثر معکوس دارد. قیمت نفت نیز تابعی از میزان تقاضای جهانی، میزان عرضه سایر تولیدکنندگان و روابط سیاسی و تجاری با سایر کشورها، ارزش دلار آمریکا و تولید ناخالص داخلی کشورهای تولیدکننده می‌باشد. (توفیق و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۶).

همانطور که از روابط بالا مشهود است و با توجه به توضیحات ارائه شده در قسمت قبل روابط سیاسی و تجاری ایران با سایر کشورهای صادر کننده و همچنین کشورهای وارد کننده نقش مهمی در میزان صادرات و قیمت آن دارد و بر اساس تعریف ارائه شده جایگاه تعیین‌کننده‌ای در تأمین امنیت صادرات انرژی در ایران خواهد داشت. همچنین در این تعاملات باید منافع سایر کشورها را در خصوص تأمین امنیت انرژی آنها در نظر داشت تا به یک روابط پایدار و موثر دست یابیم. باید توجه داشت که کشورهای

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

واردکننده از دو طریق ذیل می‌توانند بر کاهش قیمت تاثیر بگذارند (البته اکثر کشورهای واردکننده تا اندازه ای خواستار کاهش قیمت هستند که این کاهش قیمت منجر به افزایش تقاضا نگردد).

۱- کاهش تقاضا: با توجه به اینکه انرژی به عنوان یک کالای ضروری می‌باشد، میزان کشش قیمت نسبت به تقاضا کم می‌باشد و این کشورها به وسیله اقدامات بهینه‌سازی مصرف، استفاده از منابع تجدیدپذیر (باید توجه داشت همه کشورها از این منابع برخوردار نبوده‌اند و یا استفاده از آن مستلزم صرف هزینه‌ای بیشتر از هزینه‌های پرداختی برای سوخت‌های فسیلی می‌باشد) و با استفاده از ذخایر سوخت تا حدود کمی بر کاهش قیمت تاثیر گذارند.

۲- به کارگیری راهکارهایی برای افزایش عرضه کشورهای صادرکننده: که این مستلزم برقراری روابط تجاری و تقویت تکنولوژی و افزایش سرمایه‌گذاری در کشورهای واردکننده می‌باشد و یا از طریق ایجاد اختلاف میان اعضای اوپک (به خصوص ایران و عربستان) و در نتیجه تخطی اعضا از میزان سهمیه‌بندی صورت می‌گیرد از طرفی کشورهای صادرکننده نیز از دو طریق می‌توانند بر افزایش قیمت تاثیر بگذارند (البته اکثر کشورهای صادر کننده تا اندازه ای خواستار افزایش قیمت هستند که این افزایش قیمت منجر به کاهش تقاضا نگردد)

الف: افزایش تقاضا: کشورهای واردکننده با ایجاد مزیت رقابتی بر روی نفت خام و گاز و یا ایجاد خدمات پشتیبانی و حمل و نقل می‌توانند در افزایش تقاضا و با جذب سهم بیشتری از بازار همراه با افزایش قیمت موثر باشند که البته این موضوع نیازمند برنامه‌ریزی طولانی مدت و گنجاندن آن در طرح جامع انرژی کشور می‌باشد.

ب: کاهش عرضه: که یا از طریق همکاری کشورهای عضو اوپک و سهمیه‌بندی سهم صادرات اعضا حاصل می‌شود و یا از طریق تحریم کشورهایی با ذخایر نفتی و حجم صادرات بالاتر و یا ایجاد درگیری و جنگ در این کشورها حاصل می‌گردد.

باید توجه داشت که دو گروه نسبتا متمایز از کشورها در داخل اوپک پدیدار شده‌اند. گروه اول به رهبری عربستان سعودی شامل کشورهای کویت، قطر، امارات متحد عربی و لیبی است، که از درآمد سرانه بالا، ذخایر اثبات شده قابل توجه و جمعیت کم برخوردار هستند. این کشورها همان گونه که تاریخ نشان می‌دهد طرفدار افزایش عرضه کل نفت در تلاش برای تعدیل قیمتها و حفظ تقاضای بلندمدت بوده اند. گروه دوم به رهبری نیجریه، اندونزی، ایران و الجزایر، شامل کشورهای آنگولا، عراق، ونزوئلا، خواستار این هستند که او یک کل تولیداتش را به نفع افزایش سریع قیمت‌ها محدود کن این کشورها دارای درآمد سرانه پایین، صادرات سرانه نفتی کم و جمعیت زیاد هستند. کشورهای گروه اول به دنبال راه‌حل‌هایی بلند مدت با ریسک کمتر و در جهت پایداری همکاری اعضا با هم اند. این کشورها کمتر در صدد تداوم

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

همکاری اعضا از طریق مجازات و تنبیه و نظایر آن هستند. اعضای ثروتمند اوپک به این نتیجه رسیده‌اند که برای تداوم همکاری اعضا، دادن پاداش به اعضای دیگر راهکاری بهتر از تنبیه و مجازات است؛ زیرا مجازات و تنبیه نتیجه ای جز قهر و خروج اعضا از اوپک ندارد و در نهایت، دود آن به چشم خود آن کشورها برخواهد گشت و منافع بلندمدت را به خطر خواهد انداخت. (اکبری، ۱۳۹۶: ۱۸۷).

بنابراین بهترین راهبرد سیاست‌گذاری ایران در خصوص تاثیرگذاری در قیمت پرهیز از تنش در میان روابط خود با عربستان و همچنین حرکت در مسیری به منظور لغو تحریم‌های بین‌المللی است. زیرا در این صورت از یک طرف راهکار کشورهای واردکننده برای افزایش عرضه جهانی انرژی، همکاری و توسعه روابط تجاری و افزایش سرمایه‌گذاری در ایران (به عنوان یکی از کشورهای دارای ذخایر غنی که از موقعیت ژئوپلیتیک مناسبی برای مسیرهای صادراتی برخوردار است) می‌باشد و از سوی دیگر تنها گزینه عربستان و سایر کشورهای گروه یک همکاری با ایران است و چون ایران با توجه به شرایط خود از درجه صبر (نرخ تنزیل) پایین‌تری برخوردار است، می تواند با دریافت امتیازات و تعیین شرایطی در مرحله چانه زنی، سهمیه‌بندی را بپذیرد. در این صورت عربستان نیز مطمئن است در مرحله اجرا ایران از سهمیه‌بندی تخطی نمی کند (عبدلی، ۱۳۹۱: ۱۸). همچنین در تعیین سهمیه کل، کشورهای اوپک باید اثرگذاری آن بر قیمت را در نظر داشته باشند یعنی نه آن قدر عرضه کم باشد که افزایش قیمت ناشی از آن، تقاضا را کاهش و توسعه بهره‌برداری از سوخت‌های غیرفسیلی و انرژی‌های تجدیدپذیر را در کوتاه‌مدت سودآور کند و نه آن قدر بالا باشد که از آن طرف بر اساس آنچه گفته شد کشورهای واردکننده را با افزایش تقاضا و کاهش قیمت از مسیر امنیت واردات دور کند. چنانچه کشورهای واردکننده و صادرکننده در خصوص این قیمت تعادلی با یکدیگر همکاری نداشته باشند اولا هزینه‌های مبادلاتی میان این دو گروه از کشورها افزایش یافته و ثانیهٔ نوسانات قیمت برای آنها موجب ایجاد هزینه می‌شود؛ زیرا امکان برنامه‌ریزی را برای آنها مشکل می‌گرداند. این موضوع به خصوص برای کشورهایی مانند ایران که وابستگی بالایی به در آمد نفتی دارد و بودجه سالانه آن بر اساس درآمد نفتی تعیین می‌شود از اهمیت بالایی برخوردار است.

همچنین ایران به منظور افزایش امنیت صادرات خود در طولانی مدت باید سهم بیشتری از درآمدهای نفتی را صرف توسعه سرمایه‌گذاری در زمینه اکتشاف و بهره‌برداری از میادین گازی و توسعه صادرات LNG نماید، روابط خوب تجاری نیز انجام این کار را تسهیل خواهد کرد. زیرا از یک طرف با افزایش توجه جهانی به مسائل زیست محیطی تقاضا برای این نوع از سوخت افزایش خواهد یافت و از طرف دیگر به دلیل داشتن ذخایر کافی و موقعیت ژئوپلیتیک و همچنین داشتن روابط خوب با کشورهایی مانند چین می‌تواند سهم قابل توجهی از بازار صادرات گاز را در آینده به خود تخصیص دهد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

۵-۱ ژئواکونومیک انرژی و امنیت ملی ایران

در فضای ژئواکونومیک فعلی جهان که انرژی، محور سیاست و استراتژی کشورهای بزرگ و صنعتی است، اصلی‌ترین فشار برای تصاحب آسان منابع آن روی کشورهای اطراف حوزه خلیج فارس و سپس خزر می‌باشد. نکته حائز اهمیت و مثبت اینکه، ایران به دلیل قرارگرفتن میان این دو حوزه و داشتن رتبه دوم ذخایر نفت و گاز جهان به عنوان بازیگر تأثیرگذار نقش با اهمیتی دراستراتژی جهانی ژئوپلیتیک انرژی پیدا کرده است. اما در چهار دهه اخیر بر پایه نگرش دکترین انقلابی و ضدغربی و نیز اقتصاد رانتیر، همواره با اقدامی هماهنگ از سوی کشورهای مخالف خود، در جهت کاهش وزن ژئوپلیتیکی و قدرت ملی، با دغدغه تهدید مداوم علیه امنیت ملی مواجه بوده است. لذا همان‌گونه که باری بوزان بیان می‌دارد به ناچار با سلسله تصمیم‌های متوالی و وابستگی متقابل در جهت بازیگری و نقش‌آفرینی در ژئوپلیتیک انرژی تلاش دارد اهداف، ارزش‌ها و منافع خود را با جهان اقتصادمحور گره زده، تا به امنیت ملی دلخواه خود برسد.

در بسیاری از مباحث و متون روابط بین‌الملل از مفهوم امنیت عموماً به معنای توانایی مقابله با تهدید مسلحانه نام برده می‌شود در حالی که کمبود و یا کمیاب بودن منابع انرژی یکی از مهم‌ترین عوامل بروز منازعات در قرن بیستم بوده است. تعریف امنیت از دیدگاه کشورها متفاوت است. در کشورهای پیشرفته، امنیت انرژی به در دسترس بودن و عرضه کافی و با قیمت مناسب و منطقی اطلاق می‌شود. در کشورهای صادرکننده انرژی، امنیت انرژی به مفهوم امنیت تقاضا و افزایش قیمت آن است.

با توجه به این امر، جغرافیای انرژی، فرصت ژئواکونومیک مناسبی را پیشروی ایران قرار داده است. منابع عظیم انرژی ایران، به عنوان متغیرهای جغرافیایی تأثیرگذار، از مهمترین موتورهای حرکت اقتصادی کشور هستند که در صورت بهره‌برداری درست، قدرت اقتصادی کشور و به تبع آن ضریب امنیت ملی کشور را ارتقاء می‌دهند. زیرا اقتصاد در ارتباط با امنیت ملی اهمیت فراوانی دارد. نخست؛ ظرفیت اقتصادی به صورت مستقیم بر قدرت ملی اثرگذار است که آن هم به نوبه خود مهمترین عامل در تعریف ضریب امنیت ملی به شمار می‌آید. قدرت اقتصادی زمینه را برای نیل به قدرت نظامی فراهم می سازد و با دست کم، تحمیل هزینه‌های سنگین تأمین امنیت را آسان می‌سازد.

همچنین وضعیت خوب اقتصادی یکی از ارزش‌های ملی است و لذا تقویت آن به تقویت دولت ملی و افزایش ضریب امنیت ملی منتهی می‌شود؛ و بالاخره این که اقتصاد، ابزار خوب و بسیار کارآمدی به حساب می‌آید که می‌تواند دولت‌ها از آن برای دستیابی به اهداف امنیتیشان یاری گیرند. از سویی، در عصر کنونی غنای اقتصادی به معنای قدرت تازه، به صحنه آمده است و غنای اقتصادی را باید عامل مسلط در روابط قدرت در سطح بین‌الملل به حساب آورد. دولت‌های قوی از حیث اقتصادی نه تنها از توان نظامی بیشتر بلکه از توان تأثیرگذاری بالاتری نیز برخوردارند. بر همین اساس می‌توان اظهار داشت که دولت‌هایی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

که از ساختار اقتصادی ضعیفی برخوردارند به طور طبیعی در معادلات کلان امنیتی از ضریب امنیتی کمتر و رده پایین تری برخوردار هستند.

بنابراین، بعد ژئواکونومیک انرژی ایران، از اصلی‌ترین منابع بالقوه تولید قدرت اقتصادی کشور است. ژئوپلیتیک انرژی از طریق افزایش شرکای اقتصادی، کسب درآمد و افزایش قدرت اقتصادی، سبب توسعه ملی و افزایش قدرت ملی کشور در ابعاد مختلف می‌شود. این افزایش وزن و قدرت ژئوپلیتیک در بعد خارجی به صورت ایجابی، تأمین امنیت ملی را در پی خواهد داشت. در بعد داخلی نیز افزایش قدرت اقتصادی باعث توسعه، رفاه و پیشرفت جامعه می‌گردد. پیشرفت‌های یاد شده، علاوه بر کاهش تهدیدات داخلی، باعث افزایش قدرت ملی کشور از طریق انسجام و رضایت عمومی جامعه می‌گردد.

٦-١ بعد ژئواستراتژیک انرژی و امنیت ملی ایران

هر بحثی که با امنیت سر و کار داشته باشد، بحثی استراتژیک است و هنگامی که در مباحث استراتژیک، استفاده از زمین و منابع آن در بعد فراملی مدنظر باشد، موضوع جنبه‌ای ژئواستراتژیک پیدا می‌کند. لذا در بحث امنیت انرژی هنگامی که وارد امنیت نفت و گاز و سایر انرژی‌ها می‌شویم موضوع جنبه‌ای ژئو استراتژیک پیدا می‌کند (مجتهدزاده، مصاحبه حضوری، ۸۸/۴/۱۰)

در زمینه اهیمت ژئواستراتژیک انرژی، متخصصان روابط بین‌الملل، با استناد به نظریه‌هایی چون «ثبات مبتنی بر توسعه» اذعان می‌کنند که، یکی از شاخص‌های بنیادین قدرت هژمون در هر عصری کنترل منابع، خطوط و مسیرهای انتقال انرژی بوده است. به عبارت دیگر می‌توان صعود و افول قدرت‌های بزرگ را با میزان کنترل آنها بر منابع انرژی زمان خودشان و نیز نوع و مقدار مصرف انرژی آنها مرتبط دانست؛ و حتی فراتر از آن حیات و ممات تمدن کنونی بشر با تمامی پیشرفت‌های تکنولوژیک را، حداقل تا زمان دسترسی فراگیر به انرژی‌های جایگزین و مقرون به صرفه، وابسته به نفت و گاز قلمداد کرد. این خصوصیات، انرژی را هم به ابزار قدرت و هم هدف قدرت به ویژه در عرصه بین‌الملل تبدیل کرده است (موسوی شفایی، ۱۳۸۵: ۱). در این میان، ایران با واقع شدن در منطقه خاورمیانه و بین دو حوزه سرشار از انرژی جهان یعنی خلیج فارس و دریای‌خزر، اهمیتی ژئواستراتژیک دارد و همچون پل پیونددهنده این دو منطقه، مطرح است (بهروزی‌فر، ۱۳۸۳: ۳۲).

همچنین ایران، به عنوان اقتصادی‌ترین، امن‌ترین و نزدیکترین گذر گاه گازی کشورهای آسیای میانه به بازارهای جهانی و به ویژه کشورهای جنوب آسیا و اروپا و نقشی انکارنشدنی در بازارهای جهانی انرژی داشته و خواهد داشت. از سویی با توجه به موقعیت جغرافیایی پر اهمیت ایران، هند، چین بزرگترین بازار بالقوه گاز طبیعی ایران به شمار می‌آیند. بر پایه پیش‌بینی‌ها مصرف گاز در این مناطق در دو دهه آینده، به علت نیاز نیروگاه‌های برق و ملاحظات زیست‌محیطی، افزایش خواهد یافت. بنابراین منطقی است که

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

زمینه‌های انتقال گاز طبیعی از ذخایر بسیار سرشار ایران به بازارهای روبه رشد هند و چین (به صورت لوله با ال. ان. جی) بررسی شود (بهروزی فر، ۱۳۸۳: ۲۰۶)

موقعیت بی نظیر ژئوپلیتیک کشورمان به ما این امکان را می‌دهد که به مرکز تجارت و توزیع منطقه تبدیل شویم. در این خصوص، مسیرهای انتقال انرژی، در سطح منطقه و به سوی بازارهای جهانی، جایگاه ایران را ارتقا بخشیده است (کولایی. ۱۳۸۷: ۱). نزدیکی منابع عظیم انرژی خلیج فارس و میدان‌های تولید آنها به ایران، و همچنین دسترسی و کنترل ایران به مهمترین آبراه استراتژیک جهان، در افزایش منزلت ژئوپلیتیک ایران نقش ارزندهای را ایفا نموده است.

کنترل ایران بر تنگه هرمز از دو جهت حایز اهمیت استراتژیک است. نخست اینکه در رویکرد امنیت ملی حفظ محور، در صورت تهدید منافع و امنیت ملی کشور، بستن این تنگه توسط ایران، می‌تواند مشکلات عظیمی را برای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان بزرگ انرژی و همچنین اقتصاد جهانی، ایجاد کند. دوم این که ایران می‌تواند با ایفای نقش تعاملی و ارزنده، با کمک به برقراری امنیت در مسیرهای ترانزیت انرژی، جایگاه خود را در امنیت انرژی جهانی ارتقا دهد. چنین امری ضمن ایجاد اعتماد استراتژیک به ایران، منزلت ژئوپلیتیک کشور را در نظام ژئوپلینک جهانی افزایش می‌دهد.

همچنین مشارکت در شبکه خطوط لوله نفت و گاز به اشکال گوناگون نقش و سهم ما را در بازار انرژی افزایش می‌دهد (عادلی، ۱۳۸۷: ۶۳). زیرا در صورت انتقال منابع از خاک ایران کشورهای مصرف‌کننده و تولید کننده انرژی دو سوی مسیر را به نوعی به ایران وابسته می‌نماید. مشارکت در سرمایه‌گذاری بویژه در بخش بالادستی نیز توان ما را در دیپلماسی انرژی بالا می‌برد (عادلی، ۱۳۸۷: ۶۵). ایران می‌تواند با جذب سرمایه‌گذاری‌های کلان خارجی و عقد قراردادهای بلندمدت عرضه انرژی، به یک شریک انرژی استراتژیک برای مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی جهان مانند چین، هند، ژاپن و همچنین کشورهای همسایه مانند پاکستان و ترکیه، مبدل گردد. از سوی دیگر، کشورهایی که در پروژه‌های نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند. با توجه به اینکه حجم قابل توجهی سرمایه‌گذاری کرده‌اند و همچنین منافع حاصل از این سرمایه‌گذاری، باعث اهمیت یافتن امنیت ایران برای آنها می‌شود.

۷-۱ نتیجه‌گیری

ژئوپلیتیک انرژی ایران در دو بعد ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک، قابلیت بالقوه تأمین منافع و امنیت ملی کشور را دارا می‌باشد. در بعد ژئواکونومیک، ایران به‌عنوان دومین دارنده نفت و گاز جهان، ظرفیت تبدیل شدن به یکی از اصلی‌ترین شرکای انرژی مصرف‌کنندگان بزرگ نفت و گاز جهان را دارد. در بعد ژئواستراتژیک نیز ایران در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند در امنیت انرژی منطقه‌ای و جهانی نقشی محوری ایفا نماید. موارد یاد شده باعث افزایش قدرت ژئوپلیتیک در راستای تأمین امنیت ملی کشور

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

می‌گردد. در بین عناصر تعیین‌کننده سرنوشت کشور ایران، عوارض مثبت و منفی ژئوپلیتیک همواره حضوری پررنگ داشته‌اند. هم‌اکنون نیز یکی از مهم‌ترین متغیرهای ژئوپلیتیک مؤثر بر سرنوشت کشور، متغیر انرژی می‌باشد و یکی از راه‌هایی که ایران می‌تواند ضریب امنیت ملی خود را افزایش دهد، توجه به سیاست خارجی مبتنی بر امنیت انرژی است. اگر در سطح تصمیم‌گیری کلان، از بین رویکردهای امنیت ملی کشور یعنی رویکردهای گسترش‌محور، حفظ‌محور و توسعه‌محور، اولویت به رویکرد امنیت ملی توسعه‌محور برای تعامل بیشتر با نظام جهانی داده شود در آن صورت است که می‌توان از طریق یک دیپلماسی انرژی منسجم و قوی، از ژئوپلیتیک انرژی در راستای توسعه قدرت ملی و تأمین امنیت ملی بهره جست.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها

ـ قادری، صادق (۱۳۷۰) امنیت ملی، تهران: نشر آفتاب.

ـ قاسمی، فرهاد (۱۳۸۴)اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر میزان.

ـ قالیباف، محمدباقر و دیگرانو ۱۳۹۳. ژئوپلتیم انرژی و امنیت جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر آدینه.

ـ آبادیان، غلامرضا (۱۳۸۷)، راهبرهای جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر نگاه نو.

ـ برزگر، کیهان (۱۳۹۴) برندگان و بازندگان ژئوپلیتیک برجام. فصلنامه علوم سیاسی. سال یازدهم، شماره ۲.

ـ بهروزی‌فر، امیرمحمد (۱۳۸۳)، دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران، ویرایش دوم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ـ توفیق، سعید دیگران و ۱۳۹۴. راهبردهای عرصه انرژی. تهران: نشر خط سوم.

ـ حسین‌پور، علیرضا. ۱۳۹۵. سیاست خارجی ایران در خلیج فارس. تهران: نشر کاوش.

ـ حسینی، ابوالقاسم. ۱۳۹۶. نفت، برجام و امنیت ملی. تهران: نشر آوازه.

ـ رضاپور، علی. ۱۳۹۵. بازسازی و گسترس بخش نفت ایران در دوران پسا توافق هسته‌ای: برنامه‌ها، مشکلات و ابهامات. تهران: نشر نوین.

ـ روزبهانی، کریم (۱۳۸۴) رویکرهای امنیت ملی در جهان سوم، تهران: نشر طرح نو.

ـ روشندل، جلیل (۱۳۷۴) امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران: نشر سمت.

ـ سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۳) اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر میزان.

ـ عادلی، محمدجواد. ۱۳۸۷. امنیت انرژی. تهران: نشر گستره.

ـ عبدالله خانی، علی(۱۳۸۹) نظریه‌های امنیت، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.

ـ عبدلی، محمدحسین. ۱۳۹۱. نفت و منازعه در خاورمیانه. تهران: نشر قائم.

ـ عیوضی، حسین (۱۳۸۵) امنیت ملی و جهان سوم، تهران، نشر طرح نو.

ـ کریمی، علیرضا (۱۳۸۸) کتاب خاورمیانه ۳، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.

ـ کمپ، جفری و رابرت هارکاوی (۱۳۸۳). جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه: سیدمهدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ـ منظر مکتب کپنهاگ». فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۲، شماره ۸۸.

ـ مهدیان، محمود و معصومه فخری. ۱۳۹۱. امنیت انرژی در ایران. تهران: نشر آدینه.

ـ مهری، عباس. ۱۳۸۱. امنیت ملی در جهان معاصر، فصلنامه سباست دفاعی، سال ششم، شماره ۲.

ـ نوبخت، محمدباقر. ۱۳۹۱. اثرات کوتاه‌مدت تحریم‌های بین‌المللی نفتی بر بخش انرژی ایران. تهران: نشر گستره.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

ـ واعظی، محمدحسن (۱۳۸۸)، تحلیل جایگاه ژئواکونومیک ایران در خاورمیانه، فصلنامه ژئوپلیتیک سال پنجم، شماره دوم.

ـ ویسی، سیدرضا. (۱۳۸۷). نقش انرژی در سیاست خارجی ایران. فصلنامه راهبردهای انرژی. سال دوم، شماره ۴.

ـ هندرسون، محمدرضا (۱۳۸۷) انرژی در خطر: ایران، نفت و غرب. ماهنامه کاوش. شماره ۲۶.

ـ یاری، حجت و دانش رضایی ۱۳۹۶. «لوله‌های فرامرزی گاز و امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی. شماره ۳۲.

سایت‌ها و روزنامه‌ها

ـ مجتهدزاده، مصاحبه حضوری، ۸۸/۴/۱۰

ـ (شبکه خبر، ۱۳۹۱/۱۱/۹)

ـ (اقتصاد ایرانی، ۳۱ مرداد ۱۳۹۵)

ـ (ایران اکونومیست، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۵).

ـ (سایت جوکار، ۱۰ دی ۱۳۹۱).

ـ (اقتصاد فرهیختگان، دی ۱۳۹۲).

ـ (خبرگزاری صدا و سیما، ۶ اردیبهشت ۱۳۹۱)

ـ (خبرگزاری تسنیم، ۲۶ مرداد ۱۳۹۴).

ـ (خبرگزاری تسنیم، ۲۵ تیر ۱۳۹۴).

(باشگاه خبرنگاران جوان، ۸ آبان ۱۳۹۲).

(آفرینش ۲۵ مرداد ۱۳۹۵).

ـ (شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی، ۶ فروردین ۱۳۹۵).

ـ (پانکراتنکو، ۷ آبان ۱۳۹۴)،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2025-12-18]